



Interdisciplinary Legal Research

Jun 2024, 5(1): 1-16

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Process of Criminal Proceedings for Economic Corruption in National Resources from the Point of View of Iranian Criminal Law



Alireza Shekarbeigi^{1*}

Received:

08 Dec 2023

Revised:

10 Feb 2024

Accepted:

18 Mar 2024

Available Online:

21 Mar 2024

Keywords:

Corruption,
Financial
Corruption,
Natural
Resources,
National
Resources,
Iranian Law.

Abstract

Background and Aim: Today, the necessity of controlling economic corruption national resources and adopting an efficient criminal policy in the society is quite noticeable. According to the available statistics, national resource crimes are increasing quantitatively and qualitatively in the country. We are hearing news about the appropriation of agricultural lands, natural resources, mines, and other national resources.

Materials and Methods: The research method in this research is descriptive-analytical. **Ethical Considerations:** All ethical principles have been observed in the writing stage of this research.

Findings: The results of research studies indicate that in the field of Iranian criminal law related to crimes of national resources, while appropriate criminalization has not been done and we are witnessing certain disadvantages and shortcomings, the punishments determined in terms of type and severity are not suitable for criminal deterrence. Therefore, due to the importance of protection and preservation of natural and national resources, the development of a differential judicial system is felt and it is necessary to include legal protections and the establishment of special proceedings. In addition, due to the special importance of these crimes and their destructive effects on the environment and society, and even their international dimension, special measures regarding temporary detention and precautionary time and other appointments should be taken into consideration, and it is suggested to establish offices and It should be used to have continuous and close communication with neighboring countries for cooperation and protection of natural and national resources.

Conclusion: In the current system, we need a differentiated procedure in the process of trial and execution, which speeds up the process of trial, investigation and prosecution and the creation of special branches in this field is felt.

1* Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University Tehran. Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: alireza.shakarbaigi@pnu.ac.ir

Phone: +988338391251

Please Cite This Article As: Shekarbeigi, A (2024). "The Process of Criminal Proceedings for Economic Corruption in National Resources from the Point of View of Iranian Criminal Law". *Interdisciplinary Legal Research*, 5(1): 1-16.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی
(صفحات ۱-۱۶)

فرایند دادرسی کیفری به مفاسد اقتصادی در منابع ملی از دیدگاه حقوق کیفری شکلی ایران

علیرضا شکرپیگی^{۱*}

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: alireza.shakarbaigi@pnu.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۷ ویرایش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: امروزه ضرورت کنترل مفاسد اقتصادی در منابع ملی و اتخاذ یک سیاست جنایی کارآمد در جامعه کاملاً محسوس است. طبق آمارهای موجود جرائم منابع ملی از لحاظ کمی و کیفی در سطح کشور در حال افزایش می‌باشد به‌طور روزمره شاهد شنیدن اخباری در خصوص تصرف اراضی کشاورزی، منابع طبیعی، معادن، و سایر منابع ملی هستیم.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: کلیه اصول اخلاقی حاکم در پژوهش، در تقریر این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از مطالعات پژوهشی حاکی از این است که در قلمرو حقوق کیفری ایران مرتبط با جرائم منابع ملی ضمن اینکه جرم‌انگاری مناسب صورت نگرفته و شاهد معایب و نواقص خاصی هستیم، مجازات‌های تعیین شده از لحاظ نوع و شدت جنبه بازدارندگی کیفری مناسب ندارند. ازاین‌رو، با توجه به اهمیت حفاظت و صیانت از منابع طبیعی و ملی، تدوین سیستم دادرسی افتراقی احساس می‌شود و ضرورت دارد مشمول حمایت‌های حقوقی و تأسیس دادرسی ویژه‌ای گردد. علاوه بر آن با توجه به اهمیت ویژه این جرائم و آثار مخرب آن بر محیط و جامعه و حتی بُعد بین‌المللی آن تدابیر ویژه‌ای نیز در خصوص بازداشت موقت و وقت احتیاطی و سایر قرارها باید مورد توجه قرار بگیرد و پیشنهاد می‌شود دفاتری تأسیس و به‌کارگیری شود که ارتباطی مستمر و نزدیک با کشورهای همسایه در جهت همکاری و صیانت از منابع طبیعی و ملی صورت بگیرد.

نتیجه‌گیری: در نظام کنونی نیازمند آیین دادرسی افتراقی در مرحله دادرسی و اجرا هستیم که باعث سرعت در روند دادرسی و تحقیق و تعقیب می‌شود و ایجاد شعب اختصاصی در این عرصه احساس می‌شود.

کلمات کلیدی: فساد، فساد اقتصادی، منابع طبیعی، منابع ملی، حقوق ایران.

مقدمه

۱- بیان موضوع

ضابطان منابع طبیعی با توجه به گونه گونی مأموریت‌ها و وظایفی که بر عهده دارد، همواره با جرائم و تخلفات مختلفی روبه‌رو است، روند رسیدگی به جرائم و تخلفات در منابع طبیعی یکی از موضوعات مهم و اساسی در راستای حاکمیت نظم و انضباط و تحقق اهداف و وظایف پیش‌بینی شده سازمانی به شمار می‌رود. اهمیت صحت عمل و سلامت کارکنان منابع طبیعی بعنوان ضابط ایجاب می‌کند تا با شناسایی جرائم و تخلفات، روش پیشگیری و برخورد با آنها مورد بررسی قرار گیرد، و در همین راستا حقوق‌دانان در کنار قانون ماهوی، از اصطلاح قانون شکلی یا اجرایی یاد می‌کنند (آخوندی، ۱۳۶۸: ۳۸).

به‌هر روی، در مورد کشف جرم و تعقیب متهمان به جرم توسط دادسرا تفاوتی بین جرائم زیست محیطی و سایر جرائم وجود ندارد. اما نکته قابل ذکر این است که جرائم زیست محیطی با توجه به اینکه غالباً سلامت انسان‌ها و سایر جانداران را دچار خدشه می‌کند باید در داسرا با سرعت و حساسیت بیشتر از خود رسیدگی شود. اضافه بر آن بر اساس ماده ۱۷ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری دادستان کل بر کلیه دادرهای شهرستان و استان و دیوان کیفر نظارت دارد و برای حسن اجرای قانون و ایجاد هماهنگی بین آنها پیشنهادهای لازم را به وزیر دادگستری می‌دهد. نتیجه این ماده قانونی این است که دادستان کل از طریق دادستان‌های عمومی بر حسن اجرای قوانین نظارت دارد.^۱

درباره تشخیص اراضی ملی توسط مراجع قضایی باید گفت که شعبات دادگاه ویژه می‌توانند به‌عنوان تشخیص دهنده اراضی ملی محسوب شوند. البته باید متذکر شد که در گذشته سایر کمیسیون‌ها از جمله کمیسیون ماده واحده مرجع تشخیص اراضی ملی بودند هر چند به‌عنوان مراجع شبه قضایی محسوب می‌شدند. البته باید متذکر شد که تشخیص

ملی بودن اراضی توسط دادگاه ویژه یک استثناء است.^۲ به موجب تبصره ۳ از ماده ۴ قانون ملی شدن جنگل‌ها عرصه و محاط و تأسیسات و خانه‌های روستایی و همچنین زمین‌های زراعی و باغات واقع در محدوده اسناد مالکیت جنگل‌ها و مراتع که تا تاریخ تصویب این قانون احداث شده‌اند مشمول ماده یک این قانون نخواهند بود (پاک‌دل، ۱۳۸۲: ۵۶).

مراتع غیرمشجری که به نام مرتع دارای سند مالکیت هستند چنانچه با توجه به قانون اصلاحات ارضی مصوب سال ۴۰، ضمن املاک زاید بر حد نصاب به دولت انتقال یافته و یا در آتیه انتقال یابد، در اختیار سازمان اصلاحات ارضی باقی می‌ماند و هر چند متعلق به دولت و در اختیار سازمان دولتی می‌باشند، مستثنی از حکم ملی شدن تلقی می‌گردند (ماده چهارم در مورد مراتع مشجر و غیر مشجر، تصویب‌نامه قانون ملی شدن جنگل‌های کشور (مصوب ۱۳۴۱/۱۰/۲۷ هیأت‌وزیران). مفاد ماده ۳۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری راجع به مراتع غیرمشجر را هم می‌توان نوعی استثنای مطلق

^۲ درباره مراجع شبه قضائی اراضی ملی نیز باید گفت که مطابق اصلاحیه نهایی آئین نامه مذکور، هیأت موضوع قانون ماده واحده که از آن به نام کمیسیون ماده واحده یاد خواهیم کرد، از هفت نفر عضو به شرح پیش رو تشکیل می‌شود: ۱- مدیر جهاد کشاورزی؛ ۲- رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری؛ ۳- عضو جهاد کشاورزی (کارشناس جنگل و مرتع) با پیشنهاد مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری و تأیید و ابلاغ رئیس سازمان جهاد کشاورزی؛ ۴- عضو هیأت واگذاری زمین با معرفی مدیر امور اراضی استان (هیئت واگذاری زمین)؛ ۵- قاضی با معرفی رئیس کل دادگستری استان؛ ۶- بر حسب مورد دو نفر از اعضاء شورای اسلامی و یا عشایر محل مربوطه با معرفی دستگاه ذیربط. صلاحیت کمیسیون بنا به صراحت ماده ماده واحده، رسیدگی به اعتراض اشخاص خصوصی و عمومی نسبت به اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری است که در نگاه نخست با صلاحیت کمیسیون موضوع ماده ۵۶ مساوی به نظر می‌رسد ولی با تدقیق در ماده واحده در خصوص صلاحیت هیأت، نظر به اینکه طبق تبصره ۲ ماده واحده، دیوان عدالت اداری مکلف گردیده کلیه پرونده‌های موجود که مختومه نشده را به کمیسیون موضوع این قانون ارجاع نماید، صلاحیت کمیسیون علاوه بر رسیدگی به اعتراضات اشخاص نسبت به نظریه تشخیص اراضی ملی موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری و ماده ۲ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی، رسیدگی به اعتراضات اشخاص نسبت به آراء کمیسیون مقرر در ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری نیز می‌باشد، یعنی کمیسیون ماده واحده در خصوص کمیسیون موضوع ماده ۵۶ یا تشخیص موضوع ماده ۲ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی به عنوان مرجع رسیدگی کننده به اعتراضات اشخاص بوده و حتی نسبت به آرائی که در نتیجه اعتراض به تشخیص آگهی منابع ملی در کمیسیون ماده ۵۶ صادر گردیده، صالح به رسیدگی مجدد و صدور رأی است.

^۱ - مصاحبه بهمن کشاورز با ایسا، جایگاه دادستان در نظام قضائی، مورخ ۱۳۸۹/۳/۶.

غیرمستقیم بر ماده یک قانون ملی شدن جنگل‌ها قلمداد نمود. اراضی موضوع شق ب بند ۲ ماده ۴ قانون ملی شدن جنگل‌ها نیز جزو مستثنیاتی است که تحت شرایطی، قانونگذار امکان ابطال آن و تعلق آن به دولت را پیش‌بینی نموده است.

قانون ماده واحده، صلاحیت کمیسیون را در اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری و اصلاحیه‌های بعدی آن منحصر به اراضی، باغات و تأسیسات خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم روستاها نموده، ولی با صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۶/۳ مورخ ۷۶/۴/۱ دیوان عالی کشور، صلاحیت کمیسیون در رسیدگی به اعتراض اشخاص نسبت به تشخیص ملی بودن مطلق اراضی ملی اعم از داخل یا خارج محدوده و حریم شهرها و روستاها، تصریح گردیده، و به شرحی که گذشت چنین محدودیتی برای کمیسیون قائل نیست.

تا قبل از شهریور ۱۳۹۰، قانون حاکم در زمینه رسیدگی به اعتراض اشخاص نسبت به تصمیمات مرجع تشخیص اراضی ملی، کمیسیون ماده واحده بوده که برای اعتراضاتی که تا آن تاریخ واصل نموده، بعد از آن تاریخ نیز صلاحیت رسیدگی دارد. بر خلاف کمیسیون ماده ۵۶ که تصمیم اکثریت اعضا، آن مناط اعتبار بود و به همین جهت غیرشرعی اعلام گردید، در کمیسیون ماده واحده پس از اعلام نظر کارشناسی اعضای هیأت، رأی قاضی لازم‌الاجرا خواهد بود. البته این رأی قابل اعتراض در محاکم بدوی و تجدیدنظر می‌باشد (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۱۳۸۸: ۸۹).

در حقوق کیفری شکلی در عرصه منابع طبیعی و ملی می‌توان به نهاد دادرسی که همان دادگاه‌های دادگستری می‌باشند اشاره نمود که مطابق قانون اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی صلاحیت دادگاه‌های دادگستری در رسیدگی به کلیه دعاوی عام می‌باشد، بنابراین رسیدگی به پرونده‌های جرائم در عرصه منابع طبیعی و ملی نیز برعهده محاکم دادگستری می‌باشد که در ادامه بحث در گفتار اول مفصل به آن پرداخته می‌شود.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ در ماده ۱ و ماده ۲۲ به کشف جرم، تعقیب متهم و تحقیقات مقدماتی اشاره می‌کند که وظیفه آن را برعهده دادرسی عمومی و انقلاب قرار داده که در رأس آن دادستان می‌باشد.

تمامی مواردی که به آن اشاره شد از قبیل نهاد دادرسی و موارد کشف و تعقیب و تحقیق و سایر موارد آیین دادرسی شکلی در جرائم مرتبط با منابع طبیعی و ملی جاری و ساری است که با توجه به ناکارآمد بودن آن و ازدیاد جرائم در این بخش می‌توان در جهت دادرسی بهتر و عادلانه‌تر و جلوگیری از اطاله دادرسی به دادرسی افتراقی امیدوار بود که در مباحث بعدی به‌طور مشروح به آن پرداخته می‌شود.

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزو تحقیقات کاربردی مسأله محور می‌باشد از آن جهت که در مقام بررسی و ارائه راهکار برای یک مسأله اجتماعی تحت عنوان مفاسد اقتصادی در حوزه منابع ملی است. ازسوی دیگر در جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه‌ای با استفاده از منابع علمی مدون مرتبط با موضوع تحقیق مورد مطالعه و پژوهش واقع شده است. البته اطلاعات و داده‌های به دست آمده با روش تحلیلی و توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

بحث و نظر

۱- نهادهای دادرسی در عرصه منابع ملی

به موجب اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است و برابر ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵ با تأسیس دادگاه‌های عمومی در هر حوزه قضایی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزائی و امور حسبه با لحاظ قلمرو محلی با دادگاه‌های مزبور خواهد بود. طبق ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۷۹/۱/۲۱ نیز صلاحیت دادگاه‌های دادگستری در رسیدگی به کلیه دعاوی عام است مگر اینکه قانون مرجع دیگری معین کرده باشد (رأی وحدت

رویه شماره ۶۷۰-۸۳/۹/۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور).

بنابراین باتوجه به اصل صلاحیت محاکم عمومی، دعاوی و اختلافات حقوقی و کیفری فی مابین اشخاص و دولت درمورد اراضی ملی نیز اصولاً می‌بایست در مراجع مذکور مطرح، رسیدگی و فیصله یابد مگر اینکه قانونگذار مرجع دیگری به این امور یا پاره‌ای از آنها اختصاص دهد. دعاوی راجع به اراضی ملی شده هم، مانند سایر منازعات در چارچوب مقررات شکلی قوانین آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری اقامه و مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. با این تفاوت که به استناد قسمت اخیر ماده ۹ افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی آنجاکه سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور و ادارات منابع طبیعی به نمایندگی از دولت طرح دعوی می‌نماید تقویم خواسته از نقطه نظر هزینه دادرسی لازم نیست، چراکه دولت از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌باشد (شمس، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

مراجع اداری و شبه قضایی متعددی در خصوص شناخت انواع اراضی دارای صلاحیت بوده و تصمیمات غالب آنها در تعیین نوع اراضی، نزد مراجع قضایی قابل اعتراض است. تشخیص اولیه اراضی ملی با سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور (مرجع اداری تشخیص اولیه) و رسیدگی به اعتراض اولیه به آن تشخیص در صلاحیت کمیسیون ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع و قابل اعتراض نزد محاکم قضایی بوده که به موجب ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری، مرجع اعتراض به این تشخیص به دادگاه ویژه‌ای که توسط رئیس قوه قضاییه در مرکز هر استان تأسیس یا بدین منظور تعیین می‌شود، محول شده است.

کمیسیون مقدم الذکر ضمن رسیدگی به اعتراضات واصله قبل، صرفاً تا یکسال پس از لازم الاجرا شدن قانون مذکور می‌باشد، نسبت به پذیرش اعتراضات اقدام خواهد نمود و رسیدگی به اعتراض به تصمیمات آن کمیسیون، که توسط قاضی دادگستری عضو کمیسیون در قالب رأی انشاء می‌شود

نیز، طبق روال سابق در صلاحیت دادگاه محل وقوع ملک خواهد بود و کمیسیون حق دریافت اعتراضات جدید از آن تاریخ به بعد را نخواهد داشت (اصغری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۱). تشخیص اراضی موات در صلاحیت هیأت‌های هفت نفره مستقر در سازمان امور اراضی است که تصمیم این هیأت‌ها نیز قابل اعتراض نزد محاکم قضایی است. تشخیص اراضی موقوفه نیز در صلاحیت سازمان اوقاف و امور خیریه گذاشته شده که مرجع اعتراض به آن نیز محاکم قضایی است. اراضی نظامی از این جهت که نوعی از این انواع قلمداد نمی‌گردند بلکه به تبع تصرف و کاربری واجد شرایط خاصی در تملک می‌گردند، غالباً تابع تصرف عملی آن اراضی و املاک هستند. تشخیص انواع اراضی موات و بایر داخل محدوده شهرها نیز در صلاحیت کمیسیون موضوع ماده ۱۲ قانون زمین شهری و قابل اعتراض نزد محاکم قضایی است. مراجع اداری و شبه قضایی تشخیص نوع اراضی که طی این فصل مورد بررسی قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از: الف- کمیسیون موضوع ماده واحده به‌عنوان مرجع شبه قضایی صالح جهت اعتراض به تشخیص اراضی ملی از اراضی مستثنیات و زراعی ب- هیأت‌های هفت نفره به‌عنوان مرجع شبه قضایی اولیه جهت تشخیص اراضی موات خارج از محدوده شهرها از غیرموات و مزروعی ج- کمیسیون موضوع ماده ۱۲ قانون زمین شهری به‌عنوان مرجع شبه قضایی صالح جهت تشخیص اولیه انواع مختلف اراضی داخل محدوده شهرها بجز اراضی ملی.

پس از بررسی و مطالعه مراجع شبه قضایی، در نهایت صلاحیت مراجع قضایی در رسیدگی به اعتراض اشخاص در تشخیص نوع اراضی در این بخش مورد مطالعه قرار گرفته است. بدون شک تا نوع اراضی توسط مراجع مورد اشاره مشخص نشود، روش قانونی تملک آن نیز تعیین نمی‌گردد و به تبع این تشخیص است که نحوه تحصیل، تصرف یا تملک اراضی و املاک و قوانین و مقررات حاکم بر آن مشخص می‌شود (سالاری، ۱۳۹۱: ۸۰).

به‌طور کلی، رسیدگی به دعاوی جزائی راجع به اراضی ملی شده، در صلاحیت محاکم عمومی دادگستری است و در این

خصوص هیچ مرجع اختصاصی صالح به تعیین و اعمال مجازات مقرر نخواهد بود. قانونگذار برای رسیدگی به پرونده‌های جزائی مربوط به به جنگل‌ها و مراتع تسهیلات و مزایای ویژه‌ای قائل گردیده است. ماده ۲۱ آیین نامه اجرایی قانون ملی شدن دراین راستا می‌گوید: دادگاه‌ها مؤظفند تخلفات ناشی از عدم رعایت قانون و مقررات مربوط به جنگل و مرتع را در خارج از نوبت رسیدگی و نسبت به آن تعیین تکلیف و نتیجه را به سازمان جنگلبانی اعلام نمایند (شمس، ۱۳۹۴: ۱۴۵). همچنین رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای مقررات راجع به ملی شدن اراضی در تمام مراحل دادرسی اعم از بدوی و تجدید نظر فقط از نظر شکلی در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. ولی رسیدگی ماهوی به این امور بدواً در صلاحیت کمیسیون مقرر در ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷ و مالاً جهت رسیدگی به اعتراض و تجدید نظر خواهی بر حسب مورد در حیطه صلاحیت محاکم عمومی و مراجع تجدید نظر استان قرار می‌گیرد (شمس، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

فقدان دادگاه ویژه برای رسیدگی به جرائم زیست محیطی (منابع طبیعی و ملی)؛ سبب می‌شود که در رسیدگی به پرونده‌ها با اطاله دادرسی مواجه شده و برای مدت زمان طولانی به طول بینجامد، حال آنکه با عنایت به ابعاد خسارات احتمالی ناشی از جرائم زیست محیطی، در برخی موارد فوریت در واکنش مناسب می‌تواند موجب جلوگیری از تبعات مرگبار و زیان باری شود که با طولانی شدن زمان از دست می‌رود و از همین حیث نیز قوانین جمهوری اسلامی ایران در برخی موارد نسبت به فوریت و خارج از نوبت رسیدگی شدن پرونده‌های زیست محیطی تصریح داشته‌اند که متأسفانه به واسطه حجم کثیر پرونده‌ها، به نظر نادیده انگاشته می‌شود (پوربافرانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۶۶). به نظر می‌رسد مطابق قانون اساسی و قوانین موجود نهاد رسیدگی به پرونده‌های جرائم در عرصه منابع ملی و طبیعی دادگاه‌های دادگستری می‌باشد.

علیهذا باتوجه به کند بودن روند رسیدگی و اطاله دادرسی یکی از مهمترین مواردی که باید به آن توجه نمود نهاد دادرسی تخصصی و ویژه با تأسیس یک دادرسی ویژه است که در اینجا نیاز به دادرسی افتراقی، شدیداً احساس می‌شود. چنانچه نهادهای دادرسی اختصاصی متشکل از قضات آموزش دیده‌ای که از تخصص لازم در زمینه منابع طبیعی برخوردار هستند باشند و آشنا به قوانین و مقررات مربوطه می‌توان در این گذار امیدوار به ایجاد وحدت رویه یکسانی در برخورد با جرائم مرتبط با منابع طبیعی و جلوگیری از تشتت آرا و عدم صدور آرای متفاوت و متناقض بود.

ایجاد نهاد دادرسی واحد و تخصصی متشکل از قضات آموزش دیده و دادرسی ویژه که مختص این جرائم باشد و در کنار آن اجرای احکام مدنی و اجرای احکام کیفری می‌تواند در سرعت بخشیدن به روند دادرسی و دادرسی عادلانه کمک شایان توجهی بنماید.

۱-۱- نهاد کشف جرم در عرصه منابع ملی

مأموران جنگلبانی طبق ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور در صورتی که به موجب حکم سازمان جنگلبانی (منابع طبیعی) مأمور کشف و تعقیب جرائم مذکور در قانون فوق الذکر باشند در ردیف ضابطان دادگستری محسوب می‌گردند در صورت وجود شرایط لازم جهت احراز ضابط دادگستری اختیارات و مسؤولیت‌های ویژه می‌باشند که به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱-۱- شرایط ضابط بودن

صرف مأمور جنگلبانی بودن موجب نمی‌گردد که آن‌ها را جزو ضابطان دادگستری به حساب آورد بلکه باید شرایط وجود داشته باشد تا مأمور جنگلبانی دارای اختیارات ضابط باشد و به‌عنوان ضابط به کشف و تحقیق در جرائم مورد نظر بپردازد. ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶:

الف) مأمورانی ضابط محسوب می‌گردند که به موجب احکام سازمان جنگلبانی مأمور کشف و تعقیب جرائم مذکور در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع باشند این

جرائم از جمله جرائم مندرج در قانون صید و شکار فاقد سمت، و حق مداخله ندارند در کشف و تعقیب جرائم پیش‌بینی شده در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع نیز ضابطان دادگستری یعنی مأموران جنگلبانی دارای اختیارات وسیع و بی حد و حصر نیستند محدودیت‌هایی که در مورد ضابط عام دادگستری بیان شد در مورد مأموران ضابط جنگلبانی نیز مصداق دارد لذا مأموران مذکور و مجاز به ورود به منزل، اماکن خصوصی، کارخانجات، صنایع چوب، انبارها و دیگر اماکن که مظنون به نگهداری چوب و هیزم غیر مجاز می‌باشند نیستند مگر این که از جانب مقامات قضایی ذی‌ربط نمایندگی تحصیل نموده باشند و طبق ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی به یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌گردند در صورتی که عمل در شب واقع شده باشد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهند شد.

در اینکه آیا مأموران جنگلبانی به‌عنوان ضابط انجام وظیفه می‌نمایند در صورت برخورد با متخلفین و کسانی که مرتکب جرمی در این راستا می‌شوند حق بازداشت متهم را خواهند داشت یا نه باید بیان نمود که آیا مأموران ضابط در جنگلبانی حق بازداشت متهمان را دارند یا خیر؟ آزادی یکی از اصول مسلم قانون اساسی است و هیچ کس نمی‌تواند آزادی افراد را سلب یا محدود نماید مگر به حکم قانون توقیف افراد صرفاً از ناحیه مقامات قضایی و آن نیز در چارچوب مقررات قانونی و در حدود صلاحیت آنان امکان پذیر است دیگر هیچ مقامی حق سلب آزادی افراد را نخواهند داشت این یک قاعده و اصل مسلم است و خلاف آن به دلیل نیاز دارد در ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی در امور کیفری به نیروی انتظامی اختیار داده شده است که متهم را حداکثر تا ۲۴ ساعت جهت تکمیل تحقیقات توقیف نماید و بیش از این مدت باید بنا به دستور مقامات قضایی باشد به دستور مقامات قضایی باشد که حتی مقامات قضایی نیز بدون دلیل کافی و عدم رعایت قانون حق بازداشت کسی را ندارند قرار بازداشت باید حتماً مستند به قانون و در صورتی که دلیل کافی وجود داشته باشد صادر گردد.

ملاحظه می‌شود که اختیار توقیف به مدت ۲۴ ساعت به‌صورت کلی به ضابطان دادگستری تفویض نشده تا قائل به

احکام جدا از حکم استخدامی با انتصاب مأموران به سمت جنگلبانان در سازمان جنگلبانی است بلکه باید مأموران مورد نظر به موجب حکم ویژه از سوی سازمان به سمت مأمور کشف و تعقیب جرائم مربوطه منصوب شوند.

ب) طبق تبصره ۲ ماده ۵۴ مأمورانی به سمت مسئولیت کشف و تعقیب جرائم از طرف سازمان جنگلبانی تعیین می‌شوند که وظایف ضابطان دادگستری را در کلاس مخصوص تعلیم گرفته باشند.

بنابراین می‌توان گفت مطابق ماده ۵۴ به موجب احکام سازمان جنگلبانی، مأمورین جنگلبانی، مأمور کشف و تعقیب و در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می‌شوند البته با احراز دو شرط اساسی: ۱- دارا بودن حکم سازمان جنگلبانی برای کشف و تعقیب جرائم ۲- آموزش وظایف ضابط دادگستری در کلاس مخصوص.

۱-۱-۲- حدود اختیارات

ضابطان دادگستری علاوه بر آنکه نقش بارزی در کشف جرائم دارند، در شناسایی مجرمان و اجرای دستورات و آرای مقامات قضایی نیز وظایف اساسی بر دوش دارند، به نحوی که در بسیاری موارد گزارش این ضابطان منشأ تعقیب کیفری یا تصمیمات قضایی قرار می‌گیرد و یا به‌عنوان اشخاص حاضر در صحنه جرم، در رویارویی مستقیم با مجرمان قرار می‌گیرند. بدیهی است آشنایی این ضابطان با قوانین زیست محیطی، تخصص این ضابطان در نحوه تنظیم گزارش‌ها و انجام اقدامات ضروری اولیه در قبال جرائم زیست محیطی در زمره موارد با اهمیتی است که تحقق آن در گرو ضابطان ویژه جرائم زیست محیطی است.

در مواد ۴۲ الی ۵۲ قانون حفاظت، بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، جرائم و مجازات‌ها جهت حفاظت از جنگل‌ها و مراتع پیش‌بینی شده است که غیر از مواد فوق‌الذکر در سایر مواد این قانون نیز به‌طور پراکنده جرائمی در نظر گرفته شده از جمله ماده ۵۵ این قانون، مأمورانی که به منصب ضابط منصوب می‌گردند صرفاً در خصوص کشف و تعقیب این جرائم ضابط دادگستری به حساب می‌آیند و در مورد سایر

مأموران ضابط جنگلبانی علاوه بر مسئولیت‌هایی که ضابطان عام دادگستری دارند دارای مسئولیت‌های خاص خود نیز می‌باشند قسمت اخیر ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌کند که کلیه ضابطان دادگستری مکلفند دستورات مقامات قضایی را به مورد اجرا گذارند متخلفان از سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد مأموران ضابط دادگستری در سازمان جنگلبانی نیز از این کلیات مستثنا نبوده و دارای مسئولیت فوق می‌باشند. علاوه بر این طبق تبصره یک ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع در صورتی که مأموران مذکور بر خلاف واقع و به منظور نفع شخصی و یا اعمال غرض گزارش خلاف واقع دهند به کیفر جرمی که موضوع گزارش بوده محکوم خواهند شد.

همچنین طبق تبصره ۴ قانون فوق در صورتی که مأموران جنگلبانی خود مرتکب جرائم مذکور در این قانون گردند یا شرکت یا معاونت در آن نمایند به حداکثر مجازات مقرر در این قانون محکوم می‌شوند و در صورتی که مسامحه در اجرای مقررات قانون یا آیین‌نامه‌های مربوطه نمایند به حبس تأدیبی از یک تا سه ماه محکوم خواهند شد (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۷). به نظر می‌رسد وظیفه کشف جرم در جرائم منابع طبیعی مطابق ماده ۲۲ آیین دادرسی کیفری علاوه بر ضابطان عام که شامل فرماندهان، افسران، و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند، مطابق بند (ب) ماده ۲۹ قانون مذکور به عهده مأموران جنگلبانی تحت عنوان ضابط خاص قرار گرفته است.

علاوه بر آن ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع نیز مأموران جنگلبانی را مأمور کشف جرائم مذکور می‌داند و این در حالی است که فقط منحصر به کشف جرائم مذکور در این قانون می‌باشد و شامل سایر جرائم مرتبط نمی‌شود و این خود نقضی است که بر قانون و سیستم دادرسی کیفری وارد است که در اینجا سیستم دادرسی افتراقی را می‌طلبد. علی‌ایحال اختصاص دادگاه‌های اختصاصی و وسعت اختیارات ضابطین و مأموران جنگلبانی

این شویم که مأموران جنگلبانی نیز دارای این اختیار می‌باشند بلکه این اختیار فقط به کمیسرهای نظمیه و در حال حاضر می‌توان گفت فرماندهان پاسگاه‌های انتظامی تفویض شده و تسری آن به سایر ضابطان خلاف قانون و خلاف اصل آزادی است بازداشت افراد از ناحیه غیر مقامات قضایی ممنوع بوده و این یک اصل کلی است که خلاف آن نیاز به تصریح قانون دارد و قانون صرفاً این اختیار را به کمیسرهای نظمیه داده و به همین قدر متقین باید اکتفا کرد و نمی‌توان این اختیار را به دیگران تسری داد.

این نکته نیز قابل ذکر است که جنگلبانان ضابط دادگستری زیر نظر رئیس مجتمع قضایی و تحت تعلیم وی انجام وظیفه خواهند کرد (طهماسبی، ۱۳۹۴).

۱-۱-۳- مسئولیت‌ها

اهمیت ضابطان خاص در جرائم زیست محیطی (منابع طبیعی و ملی)؛ منحصر به موارد خاص از جمله جنگلبانان، مأموران سازمان حفاظت از محیط زیست در اجرای قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و قانون شکار و صید و مأموران سازمان حفاظت از محیط زیست در اجرای قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها به صورت محدود می‌باشند و هرچند ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاح مقررات مربوط به ضابطان دادگستری گام مثبتی در خصوص الزامی کردن فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی تحت نظر مراجع قضایی و تحصیل کارت ویژه برای احراز عنوان دادگستری برداشته است که نسبت به قانون سابق آیین دادرسی کیفری، اقدام مثبت و گامی روبه جلو محسوب می‌شود، ولی با توجه به اینکه آموزش‌های عمومی ناظر به مواردی همچون تشخیص حقوق و تکالیف ضابطان و اشخاص در مواجهه با جرائم مشهود و غیر مشهود است و نه آموزش‌های تخصصی مربوط به دعوی فنی زیست محیطی، تا رسیدن به نقطه مطلوب همچنان فاصله است و ضرورت تشکیل ضابطان دادگستری خاص جرائم زیست محیطی به صورت عام الشمول به نظر می‌رسد.

بنابراین دادستان به عنوان مدعی العموم در واقع دارای حق تعقیب جرائم منابع طبیعی است. ضابطان دادگستری نیز تحت نظارت و تعلیمات دادستان در جهت تعقیب مرتکبین جرائم در عرصه منابع طبیعی و ملی می‌توانند اقدام بنمایند. تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری به نوعی دست دادستان را در جهت کسب مهارت‌های لازم با برگزاری دوره‌های آموزشی حین خدمت برای ضابطان باز گذاشته که به استناد این تبصره می‌تواند ضابطین را از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی خاص و مرتبط با جرائم منابع طبیعی و ملی تقویت و کارآزموده بنماید و بر مهارت آن‌ها بیفزاید. همچنین دادستان می‌تواند از طریق گزارش‌هایی که سازمان بازرسی می‌دهند یا سایر نهادهای رسمی به تعقیب جرم مرتبط با منابع طبیعی و ملی بپردازد.

باید افزود سازمان‌های مردم نهاد نیز که ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ به آن پرداخته است، مطابق قانون می‌توانند اعلام جرم کنند، بنابراین این اختیار را دارند که در خصوص جرائم مرتبط با منابع طبیعی و ملی هم اعلام جرم کنند که منجر به تعقیب آنها توسط دادستان می‌شود. قانونگذار در ماده ۶۶ بیان می‌کند: سازمان‌های مردم نهاد در باره حمایت از اطفال و نوجوانان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی اعلام جرم کنند. بنابراین سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند در زمینه منابع طبیعی هم فعالیت داشته باشند.

۱-۳-۳- نهاد تحقیق در عرصه منابع ملی

پس از وقوع پدیده مجرمانه زیست محیطی (و منابع ملی) دادرسی جزائی به مفهوم عام آن با کشف جرم توسط پلیس قضایی یا ضابطان قوه قضاییه آغاز می‌شود و با تحقیقات ادامه می‌یابد در این مرحله است که دادسرا و مقامات قضایی آن مسؤولیت خطیر اجرای تشریفات آیین دادرسی کیفری را به منظور تحقق عدالت کیفری و انجام یک دادرسی عادلانه در دادگاه عهده دار شده و پرونده را پایه گذاری می‌کنند. در جریان تحقیقات مقدماتی سه فرایند قضایی مهم روی می‌دهد: ۱- جمع آوری دلایل له و علیه متهم ۲- جلوگیری

همانند ضابطین خاص در جهت کشف و تعقیب جرائم علیه منابع طبیعی و ملی می‌تواند گام مؤثری در جهت مبارزه با جرائم مذکور باشد.

۱-۲- نهاد تعقیب در عرصه منابع ملی

برخورداری از منابع طبیعی سالم، حق طبیعی هر شهروندی محسوب می‌شود. به نحوی که در زمره طبیعی‌ترین حقوق هر انسان شمرده می‌شود. این حق بر اساس سرشت انسان بوده و همگان از آن برخوردارند. با صنعتی شدن جوامع و گسترش شهرها و تراکم جمعیت انسانی در شهرهای بزرگ با معضل آلودگی هوا و همچنین تخریب منابع طبیعی مواجه شده‌ایم که این امر باعث سلب طبیعی‌ترین حق ساکنان این گونه شهرها شده است و هر سال به مثابه بختکی وحشتناک مانع تنفس هوای پاک و سالم شده است. این ستم، ناقض بزرگ‌ترین حقوق انسانی محسوب و حیات شهروندان را به خطر انداخته است.

حال چنانچه منابع طبیعی تخریب شود و جرم زیست محیطی به وقوع بپیوندد دادستان به عنوان مدعی العموم چه اختیاراتی در این زمینه دارد؟ قانونگذار سازمان‌های متولی و مسؤول در زمینه منابع طبیعی را تبیین و مشخص کرده است و از سوی دیگر قانون اساسی در اصل پنجاهم به روشنی تخریب منابع طبیعی و آلودگی هوا را جرمی عمومی پنداشته و از سوی دیگر تکلیفی برای همگان در برخورد با آن را بیان کرده است. بدین معنی که شهروندان و همه نهادها، سازمان‌ها، شهرداری‌ها، اشخاص حقیقی و حقوقی مکلف به رعایت منابع طبیعی هستند با جرم انگاری این امر از سوی قانونگذار دادستان کل کشور، دادستان‌های عمومی این کلان شهرها برای دفاع از حق حیات سال شهروندان مکلف به ورود به آن هستند. به نظر می‌رسد در همین راستا ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ در تعریف آیین دادرسی کیفری یکی از دلایل وضع آن را تعقیب متهم عنوان کرده است و بلافاصله در فصل اول این قانون در ماده ۲۲ تعقیب متهم را برعهده دادرسی عمومی و انقلاب و در معیت دادگاه‌های آن حوزه قرار داده که در رأس آن دادستان می‌باشد.

از فرار یا مخفی شدن متهم ۳- اظهار نظر نهایی در خصوص موضوع پرونده. آنگاه که تحقیقات مقدماتی پایان یافت، دادستان وظیفه دارد که با تنظیم کیفرخواست از دادگاه قانونی صالح بخواهد تا متهم را مورد پیگرد قرار دهد و پاسخ‌های کیفری مناسب و شایسته را برای وی تعیین کند. رسیدگی و دادرسی به معنای خاص آن در دادگاه به انجام می‌رسد و پس از صدور حکم و با اجرا درآمدن عدالت کیفری ثمر می‌نشیند. به نظر می‌رسد قانونگذار بر اساس ماده ۲۲ آیین دادرسی کیفری وظیفه تحقیق را بر عهده دادرسی عمومی و انقلاب آن حوزه قضایی قرار داده که دادستان این وظیفه را انجام می‌دهد پس مشاهده می‌شود که در تحقیقات مقدماتی جرائم مربوط به منابع طبیعی دادستان حق تحقیقات مقدماتی را دارد. ضابطان دادگستری نیز در تحقیقات مقدماتی تحت تعلیمات دادستان به موجب قانون می‌توانند اقدام کنند.

پیشنهاد می‌گردد با توجه به اهمیت و حساسیت بالای جرائم علیه منابع ملی نهاد تحقیق ویژه‌ای از ضابطین در دادسرا در هر حوزه قضایی با تشخیص رئیس دادگستری در نظر گرفته شود، متشکل از افرادی خبره و کارآزموده‌ای که دوره‌ها و آموزش‌های تخصصی را گذرانده باشند.

۴-۱- نهاد اجرای احکام در عرصه منابع ملی

اجراء (به کسر همزه) به معنی راندن، روان ساختن، جاری کردن (عمید، ۱۳۷۵: ۹۱) انجام دادن (آذرتاش، ۱۳۶۳: ۱۵) به جریان انداختن و اقدام به اعمالی برای به مرحله عمل در آوردن حکم قضایی را گویند و در اصطلاح، به کار بردن قانون یا به کار بستن احکام دادگاه‌ها و مراجع رسیدگی اداری یا اسناد رسمی را اجراء گویند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۰).

در اصطلاحات اجرای احکام، اجراء اسناد رسمی، اجراء مالیاتی، اجراء موقت، اجرائیه، اجرائیه ثبتی، اجرائیه دادگاه، اجرائیه سند ذمه‌ای، اجرائیه سند رهنی، اجرائیه سند شرطی، ورقه اجراء و ضمانت اجراء، اسناد لازم الاجراء، اجرای قرار، اجرای معاینه و تحقیق محلی، اجرای مقررات و اجرای قانون، اجرای رأی داور، اجراء مدنی، اجراء کیفری و... به کار رفته است (بهرامی، ۱۳۸۱: ۵۳) اجراء حکم در دو معنای عام و

خاص استعمال شده است: معنای عام آن شامل ابلاغ اجرائیه دادگاه تا مرحله تحویل محکوم به، به محکوم له را گویند و در معنای خاص، تحقق بخشیدن مدلول حکم را اجراء می‌نامند که شامل ابلاغ نمی‌شود اجرای احکام مدنی در مقابل اجرای احکام کیفری است (بهرامی، ۱۳۸۲: ۶۴). می‌توان گفت که اجرای احکام چه در مرحله حقوقی و چه در مرحله کیفری با احراز شرایط خاص آن به‌عنوان آخرین مرحله از دادرسی قرار گرفته است. شرایط خاصی که گفته شد همان لازم الاجرا بودن احکام می‌باشد که عبارتند از:

- الف) حکم قطعی دادگاه بدوی
- ب) حکم دادگاه بدوی که در مهلت مقرر در قانون نسبت به آن اعتراض یا درخواست تجدید نظر نشده باشد و یا اعتراض یا درخواست تجدید نظر نسبت به آن رد شده باشد.
- ج) حکم دادگاه بدوی که مورد تأیید مرجع تجدید نظر قرار گرفته باشد.
- د) حکمی که دادگاه تجدید نظر پس از نقض رأی بدوی صادر می‌نماید.

۴-۱-۱- اجرای احکام کیفری

پس از آنکه جرم توسط ضابطان و مأموران منابع طبیعی کشف گردید و توسط دادستان که در جایگاه مدعی‌العموم قرار دارد مورد تعقیب قرار گرفت و پس از انجام تحقیقات و طی مراحل دادرسی و احراز مجرمیت توسط مرتکب و صدور حکم محکومیت نوبت می‌رسد به آخرین مرحله از دادرسی که همان اجرای احکام است. مطابق ماده ۲۸۱ اجرای احکام کیفری اجرای این مرحله از دادرسی در هر حال با دادگاه بدوی صادر کننده حکم یا قائم‌مقام آن می‌باشد که در ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اجرای احکام کیفری را برعهده دادستان قرار داده و معاونت اجرای احکام کیفری تحت ریاست و نظارت دادستان و در مناطقی که رئیس قوه قضاییه تشخیص می‌دهد، در دادرسی عمومی عهده دار این وظیفه است. این معاونت به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجراء و مأمور مراقبتی در اختیار دارد. مطابق قانون اساسی و قوانین جاری به کلیه دعاوی حقوقی و کیفری در عرصه منابع طبیعی و ملی در محاکم دادگستری رسیدگی می‌شود و مانند سایر

توجه به ازدحام پرونده‌ها و از طرفی کم اهمیت بودن این قبیل از جرائم در نزد قضات نسبت به سایر جرائم می‌تواند باعث کند شدن روند دادرسی و در نهایت اطاله دادرسی گردد. علیهذا نیاز به تأسیس شعبه اجرای احکام خاصه جرائم علیه منابع طبیعی و ملی احساس می‌شود.

۲- آیین دادرسی افتراقی در رسیدگی به جرائم علیه منابع ملی

رسیدگی افتراقی به این جهت مورد توجه قرار می‌گیرد که مقررات شکلی عمومی تکافوی مقابله با آن را نمی‌دهد. ضرورت‌هایی مانند خاص و فنی کردن فرایند رسیدگی و نیاز به ادله کیفری ویژه مانند ادله الکترونیکی و تحولات مرتبط با بار اثبات در جرائم سازمان‌یافته و تروریستی، مباحثی مثل کشف و تحقیق جرائم اقتصادی، صلاحیت‌های کیفری در فضای سایبر، تحولات مربوط به حقوق بزه‌دیده و ... اتخاذ رویکرد متفاوت در دادرسی را ضروری می‌سازد؛ رویکردی که هم در خصوص نهادها و کنش‌گران دادرسی و هم در مورد شیوه و فرایند رسیدگی و هم درباره ادله اثبات، قواعد سنتی و کلاسیک دادرسی کیفری را دگرگون سازد (پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۲۴).

سیاست افتراقی و چند بعدی متضمن روش‌های سزادهی درمانگر و یا پیش‌گیرانه، مرکز ثقل سیاست جنایی اکثر کشورهای پیشرفت‌جهان و شیوه علمی و قابل دفاع است، اما نکته اصلی در به کارگیری این سیاست توان برقراری هماهنگی در این واکنش‌ها با موارد و مصادیق و در جمع بندی کلی همراهی و هم‌آوایی در اجرای آن به منظور وصول به هدف مشترک، بدون دفع و یا خنثی سازی اثر دیگری است. امری که قانون‌گذار ما تاکنون، به دلیل پیروی از معیارهای ذهنی، قادر به وصول و حصول آن نشده است. چنان‌که خواهیم دید این ناهمگونی منحصر و متوقف به اقدام قانونگذار نیست، بلکه نظام قضایی نیز ناشی از سلايق فردی و گروهی و درک و استنباط مترتب بر آن، نگاهی متفاوت در اعمال سیاست تقنینی تحت تأثیر واقعیت پدیده مجرمانه دارد و این زنجیره ناهمگونی‌ها در اجرای احکام قضایی که با

منازعات در چارچوب قوانین آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

در همین راستا ماده ۲۱ آیین نامه اجرایی قانون ملی شدن می‌گوید که: دادگاه‌ها موظفند تخلفات ناشی از عدم رعایت قانون و مقررات مربوط به جنگل و مرتع را در خارج از نوبت رسیدگی و نسبت به آن تعیین تکلیف و نتیجه را به سازمان جنگلبانی اعلام نمایند و همينطور در ماده ۵۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع در خصوص پرونده‌های جزائی ارسال شده از طرف سازمان جنگل‌ها و مراتع و واحدهای تابعه، دادرها و دادگاه‌ها را موظف نموده که خارج از نوبت رسیدگی نمایند. پس رسیدگی به این دعاوی همانند روند رسیدگی سایر دعاوی می‌باشد.

۱-۴-۲- اجرای احکام حقوقی

اجرای احکام مدنی همچون اجرای احکام کیفری شرایطی دارد به‌عنوان مثال، ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ در خصوص اجرای احکام مدنی می‌گوید: احکامی که قطعی شده باشند و یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می‌کند، صادر شده باشد می‌تواند توسط دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته شوند که پیش‌تر به احکام لازم الاجراء اشاره نمودیم، پس در غیر موارد مطرح شده در این ماده حکم به اجرا صادر نمی‌شود.

از شروط دیگر اینکه، مطابق قانون تا زمانی که به محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او احکام دادگستری ابلاغ نشده باشد و محکوم علیه یا نماینده یا قائم مقام قانونی کتباً تقاضای اجرای حکم را نکنند اجرای حکم به موقع اجرا گذاشته نمی‌شود و حکمی که موضوع آن معین نیست، قابل اجرا نمی‌باشد.

همانطور که پیش‌تر اشاره شد مطابق قوانین جاری، رسیدگی و اجرای حکم چه در حوزه حقوقی و چه در حوزه کیفری در جرائم علیه منابع طبیعی و اراضی ملی در محاکم دادگستری همچون سایر جرائم انجام می‌گیرد. به نظر می‌رسد اجرای احکام کیفری و حقوقی جرائم در عرصه منابع طبیعی و ملی با نقص مواجه است چرا که این روند رسیدگی در دادگاه‌ها با

تمسک به توجیهات غیرمتجانس با بیان قانونگذار ملاحظه می‌شود تکمیل می‌گردد (نجفی‌توانا، ۱۳۸۶: ۱۶۱).

می‌توان گفت بررسی نحوه تعامل انسان با منابع طبیعی و ملی همواره یکی از دغدغه‌های پر اهمیت جوامع بشری بوده و هست. لذا اگر این تعامل صحیح و درست صورت نگیرد سرآغاز مشکلات عدیده‌ای خواهد بود چرا که ارتکاب جرائم در عرصه منابع طبیعی و ملی در قالب تصرف و تخریب و نابودی آن، نظم طبیعی و نیز نظم اقتصادی و حتی سیاسی کشورها را بر هم می‌زند لذا با توجه به اهمیت آن، تدوین سیستم دادرسی افتراقی احساس می‌شود و ضرورت دارد مشمول حمایت‌های حقوقی و تأسیس دادرسی ویژه‌ای گردد.

این دادرسی می‌تواند در جهت حفظ و نگهداری و صیانت از منابع طبیعی و اراضی ملی کشور بسیار مؤثر و کارآمد باشد. علیهذا در سیستم دادرسی کشور ما در خصوص جرائم در عرصه منابع طبیعی و ملی خلأهایی وجود دارد که حاصل آن ازدیاد روزافزون جرائم در این عرصه می‌باشد. آیین دادرسی کیفری به لحاظ ساختار و کارکرد آن می‌تواند نقش بسیار ارزشمندی را در دادرسی افتراقی ایفا کند و تأمین کننده حفظ و حمایت و صیانت از حقوق افراد جامعه و حمایت از منابع سرشار ملی گردد و سهم بسزایی را در مبارزه با جرائم در این عرصه را ایفا کند.

همانطور که اشاره شد جرائم علیه منابع طبیعی و ملی ناقض حقوق افراد جامعه و حتی در سطح بین‌المللی می‌باشد و نیز از بُعد اقتصادی و سیاسی بسیار حائز اهمیت است و این مهم نیاز به دادرسی افتراقی را ملموس‌تر می‌نماید. اختصاصی بودن دادگاه‌ها نمود بارز افتراقی شدن دادرسی کیفری است. چرا که شیوه رسیدگی در آنها متمایز از سایر دادگاه‌ها و به دور از اصول کلی دادرسی کیفری و گفتمان حقوق بشری حاکم بر آن است (پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۲۵۶). علیهذا نیاز به ایجاد دادگاه‌های اختصاصی ویژه رسیدگی به جرائم علیه منابع طبیعی و ملی همچون سایر محاکم اختصاصی مثل دادگاه نظامی و دادگاه‌های اطفال شدیداً احساس می‌شود.

رسیدگی و اجرای احکام در حوزه‌های حقوقی و کیفری در جرائم علیه منابع طبیعی و ملی در محاکم دادگستری همچون سایر جرائم انجام می‌گیرد، با ایراد مواجه است چرا که این روند رسیدگی در دادگاه‌ها با توجه به ازدحام پرونده‌ها و از طرفی کم اهمیت بودن این قبیل از جرائم در نزد قضات نسبت به سایر جرائم همچون جرائم علیه امنیت و یا جرائم علیه اشخاص، می‌تواند باعث کند شدن روند دادرسی و در نهایت اطاله دادرسی گردد. علیهذا نیاز به تأسیس شعبه اجرای احکام خاصه جرائم علیه منابع طبیعی و ملی احساس می‌شود.

رسیدگی در محاکم اختصاصی به جهات مختلف بسیار کارآمدتر و مؤثرتر خواهد بود به لحاظ اینکه از قضات و کارمندان دوره‌دیده و آگاه به قوانین و مقررات استفاده می‌شود و دیگر اینکه از اطاله دادرسی جلوگیری به عمل خواهد آمد. علاوه بر آن با توجه به اهمیت ویژه این جرائم و آثار مخرب آن بر محیط و جامعه و حتی بُعد بین‌المللی آن تدابیر ویژه‌ای نیز در خصوص بازداشت موقت و وقت احتیاطی و سایر قرارها باید مورد توجه قرار بگیرد و پیشنهاد می‌شود دفاتری تأسیس و بکارگیری شود که ارتباطی مستمر و نزدیک با کشورهای همسایه در جهت همکاری و صیانت از منابع طبیعی و ملی صورت بگیرد. بنابراین در نظام کنونی نیازمند آیین دادرسی افتراقی در مرحله دادرسی و اجرا هستیم که باعث سرعت در روند دادرسی و تحقیق و تعقیب می‌شود و ایجاد شعب اختصاصی در این عرصه احساس می‌شود.

مهم‌ترین مواردی که در افتراقی بودن آیین دادرسی در مورد جرائم علیه منابع ملی متصور می‌شود عبارتند از ایجاد دادگاه‌های اختصاصی، ایجاد اجرای احکام مدنی و اجرای احکام کیفری اختصاصی در کنار دادگاه‌های تخصصی، معافیت از پرداخت هزینه‌های دادرسی در حالی که این معافیت فقط در دعوای راجع به اراضی ملی به استناد قسمت اخیر ماده ۹ افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، آنجا که سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور و ادارات منابع طبیعی به نمایندگی از دولت طرح دعوای تقویم

صلاحیت بوده و تصمیمات غالب آن‌ها در تعیین نوع اراضی، نزد مراجع قضایی قابل اعتراض است. تشخیص اولیه اراضی ملی با سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور (مرجع اداری تشخیص اولیه) و رسیدگی به اعتراض اولیه به آن تشخیص در صلاحیت کمیسیون ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع و قابل اعتراض نزد محاکم قضایی بوده که به موجب ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری، مرجع اعتراض به این تشخیص به دادگاه ویژه‌ای که توسط رئیس قوه قضاییه در مرکز هر استان تأسیس یا بدین منظور تعیین می‌شود، محول شده است.

از جمله نواقصی که ملموس می‌باشد نبود شعب خاص رسیدگی به جرائم و تخلفات در عرصه منابع طبیعی به‌طور جدی است که با وجود این شعب و تخصصی شدن رسیدگی در این عرصه سرعت رسیدگی به‌طور حتمی افزایش خواهد یافت و این رسیدگی تخصصی هم مردم و هم سازمان‌های ذی‌ربط و هم قضات را از سرگردانی نجات خواهد داد و اطاله رسیدگی و طولانی شدن رسیدگی را به حداقل خواهند رسانید. در واقع تخصص این مراجع قضایی باعث می‌شود تا دقت و کیفیت کار قضات بالاتر رود و قضات با توجه به گستردگی دانش حقوق مجبور نشوند در آن واحد نسبت به حل‌وفصل تمامی دعاوی کیفری اقدام کنند. در گذشته تشکیل پرونده‌ها در دادسراها این‌طور بود که دادرسی تخصصی‌ای در زمینه منابع طبیعی وجود نداشت.

از جمله خلاء قانونی در خصوص ضابطین دادگستری در این عرصه این است که، مأمورانی که به منصب ضابط منصوب (ماده ۵۵ حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور) می‌گردند صرفاً در خصوص کشف و تعقیب این جرائم ضابط دادگستری به حساب می‌آیند و در مورد سایر جرائم از جمله جرائم مندرج در قانون صید و شکار فاقد سمت، و حق مداخله ندارند در کشف و تعقیب جرائم پیش‌بینی شده در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع نیز ضابطان دادگستری یعنی مأموران جنگلبانی دارای اختیارات وسیع و بی‌حد و حصر نیستند، محدودیت‌هایی که در مورد ضابط عام

خواسته از نقطه نظر هزینه دادرسی لازم نیست چرا که دولتها از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌باشند.

از موارد دیگر عدم شمول مرور زمان در این نوع جرائم می‌باشد. همان‌طور که پیش‌تر در بحث عوامل سقوط مجازات صحبت شد مرور زمان شامل جرائم علیه منابع طبیعی و ملی نیز می‌شود که نیاز به بررسی و بازنگری دارد.

نتیجه‌گیری

ضابطان منابع طبیعی با توجه به نوع مأموریت‌ها و وظایفی که بر عهده دارند، همواره با جرائم و تخلفات مختلفی از جمله در منابع طبیعی و زیست محیطی روبه‌رو هستند، روند رسیدگی به جرائم و تخلفات در منابع طبیعی یکی از موضوعات مهم و اساسی در راستای حاکمیت نظم و انضباط و تحقق اهداف و وظایف پیش‌بینی شده سازمانی به شمار می‌رود. اهمیت صحت عمل و سلامت کارکنان منابع طبیعی بعنوان ضابط ایجاب می‌کند تا با شناسایی جرائم و تخلفات، روش پیشگیری و برخورد با آنها مورد بررسی قرار گیرد، و در همین راستا حقوق‌دانان در کنار قانون ماهوی، از اصطلاح قانون شکلی یا اجرایی یاد می‌کنند. حال باید دید آیا در حقوق کیفری شکلی معایب و خلاءها موجود می‌باشد؟

از جمله معایبی که در حقوق کیفری شکلی به نظر بسیار مهم می‌باشد رسیدگی دست و پاگیر و طولانی مدت و تشریفاتی است که در قانون برای رسیدگی کمیسیونها به جرائم و تخلفات در عرصه منابع ملی پیش‌بینی شده است و وجود اعضای هفت نفره و تشکیل جلسات دارای تشریفات قانونی و زمان بر می‌باشد و عیب دیگری که در این مورد وجود دارد به حد نصاب رسیدن اعضای رسیدگی در جرائم و تخلفات است و اگر اعضا از پنج نفر کمتر باشند جلسات و رسیدگی‌ها متوقف خواهد شد این قوانین دست و پا گیر خود باعث اطاله دادرسی در عرصه منابع ملی و جولانگاه متخلفان و مجرمان در این عرصه خواهد شد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود در این مورد در قانون بازنگری اساسی صورت بگیرد و این تشریفات بر چیده شود. به‌عنوان نمونه مراجع اداری و شبه قضایی متعددی در خصوص شناخت انواع اراضی دارای

داده و به همین قدر متقین باید اکتفا کرد و نمی‌توان این اختیار را به دیگران تسری داد.

از جمله محاسن و مزایای در قوانین ایران وجود شعب تخصصی در جرائم زیستی و شعب ویژه، دایر شدن مرجعی تخصصی برای رسیدگی به یکسری پرونده‌های زیست محیطی است. وجود شعبه‌های تخصصی برای منابع طبیعی و منابع ملی و حفظ حقوق بیت‌المال مفید و مؤثر است. بنابراین در عرصه منابع طبیعی و اراضی ملی نیز این کار باید صورت گیرد. زیرا این موضوع موجب تجربه‌اندوزی و ماهر شدن قضات در صدور حکم، کاهش مدت رسیدگی به پرونده‌ها می‌شود. از مزایای دیگر تأسیس شعب ویژه این است که دایر کردن شعبه ویژه رسیدگی به پرونده‌های منابع طبیعی موجب جلوگیری از تشتت آرا و اختلاف نظر در صدور احکام مربوط به این موضوع بوده و اجرای شیوه‌ای واحد، ردیابی و نظارت بیشتر از سوی محاکم قضایی از نتایجی است که از تشکیل این گونه شعبه‌ها حاصل می‌شود. بحث مربوط به تخصیص شعبه ویژه‌ای جهت رسیدگی به دعاوی راجع به منابع طبیعی جنگلی و مرتعی موضوع مذاکرات مسؤولین سازمان جنگل‌ها و مراتع و ادارات تابع با مقامات مسؤول قوای تقنینیه و قضاییه بوده است که النهایه وفق تبصره ۱ ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۳ تحقق یافت اما به صورت عملی و اجرای در کشور اجرا نمی‌شود.

از سوی دیگر آموزش ضابطان خاص در خصوص جرائم خاص زیست محیطی و در مجموع کاهش اطلاع دادرسی نیز برای آن باید مدنظر قرار بگیرد. شکل‌گیری هدفمند موارد مطرح شده باید با نظارت نهاد قضایی و به کارگیری قضات آموزش دیده و آشنا به مقررات خاص با رسیدگی خارج از نوبت و صدور احکام قاطع و بازدارنده در کنار اجرای به موقع احکام صادر شده، همچنین فراهم کردن قوانینی کارآمد همراه با اصلاح قوانین سابق انجام شود. می‌توان برای استان‌هایی که در مورد عنوانی مشخص، دارای حجم وسیع تشکیل پرونده هستند، شعبه‌ای ویژه در نظر گرفت، در غیر این صورت ضرورتی به دایر کردن شعبه ویژه به نظر نمی‌رسد. شعبه ویژه

دادگستری بیان شد در مورد مأموران ضابط جنگلانی نیز مصداق دارد لذا مأموران مذکور و مجاز به ورود به منزل، اماکن خصوص، کارخانجات، صنایع چوب، انبارها و دیگر اماکن که مظنون به نگهداری چوب و هیزم غیر مجاز می‌باشند نیستند مگر این که از جانب مقامات قضایی ذی‌ربط نمایندگی تحصیل نموده باشند.

از دیگر خلاءهای قانونی که در عرصه اجرا وجود دارد، اینکه آیا مأموران جنگلانی به عنوان ضابط انجام وظیفه می‌نمایند در صورت برخورد با متخلفین و کسانی که مرتکب جرمی در این راستا می‌شوند آیا مأموران ضابط در جنگلانی حق بازداشت متهمان را دارند یا خیر؟ آزادی یکی از اصول مسلم قانون اساسی است و هیچ کس نمی‌تواند آزادی افراد را سلب یا محدود نماید مگر به حکم قانون توقیف افراد صرفاً از ناحیه مقامات قضایی و آن نیز در چارچوب مقررات قانونی و در حدود صلاحیت آنان امکان پذیر است دیگر هیچ مقامی حق سلب آزادی افراد را نخواهند داشت این یک قاعده و اصل مسلم است و خلاف آن به دلیل نیاز دارد در ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی در امور کیفری به نیروی انتظامی اختیار داده شده است که متهم را حداکثر تا ۲۴ ساعت جهت تکمیل تحقیقات توقیف نماید و بیش از این مدت باید بنا به دستور مقامات قضایی باشد به دستور مقامات قضایی باشد که حتی مقامات قضایی نیز بدون دلیل کافی و عدم رعایت قانون حق بازداشت کسی را ندارند قرار بازداشت باید حتماً مستند به قانون و در صورتی که دلیل کافی وجود داشته باشد صادر گردد.

ملاحظه می‌شود که اختیار توقیف به مدت ۲۴ ساعت به صورت کلی به ضابطان دادگستری تفویض نشده تا قائل به این شویم که مأموران جنگلانی نیز دارای این اختیار می‌باشند بلکه این اختیار فقط به کمیسرهای نظمیه و در حال حاضر می‌توان گفت فرماندهان پاسگاه‌های انتظامی تفویض شده و تسری آن به سایر ضابطان خلاف قانون و خلاف اصل آزادی است بازداشت افراد از ناحیه غیر مقامات قضایی ممنوع بوده و این یک اصل کلی است که خلاف آن نیاز به تصریح قانون دارد و قانون صرفاً این اختیار را به کمیسرهای نظمیه

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله منفرداً توسط نویسنده صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

- آخوندی، محمود (۱۳۶۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- آذرتاش، آذرنوش (۱۳۶۳). *مجمع اللغات فرهنگ مصطلحات به چهار زبان*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام.

- اصغری، عبدالرضا و همکاران (۱۳۹۶). «تحلیل سیاست جنایی مبتنی بر ابزار اداری دولت ایران در قبال اراضی دولتی». *پژوهش ملل*، ۲(۱۶): ۶۷-۸۰.

- بهرامی، بهرام (۱۳۸۱). *آیین دادرسی مدنی (کاربردی)*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات بهنامی.

- بهرامی، بهرام (۱۳۸۲). *اجرای احکام کیفری*. تهران: انتشارات نگاه بینه.

- پاک دل، سید جلیل (۱۳۸۲). «بررسی علل اطاله رسیدگی به تخلفات اداری در هیأت های بدوی و تجدید نظر». *مجله حقوقی دادگستری*، ۶۷(۴۲): ۲۲۳-۲۴۱.

- پاک نیت، مصطفی (۱۳۹۶). *افتراقی شدن دادرسی کیفری*. تهران: انتشارات میزان.

- پورباقرانی، حسن و همکاران (۱۳۹۵). «نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست محیطی». *مجلس و راهبرد*، ۲۳(۸۷): ۳۴۹-۳۷۳.

رسیدگی به پرونده‌های مربوط به جرائم منابع طبیعی و زمین‌خواری باید در استان‌هایی که با این مشکل روبه‌رو هستند، تشکیل شود. یکی از مهمترین دلایل و یا ضرورت‌های ایجاد شعب ویژه با یک دادرسی ویژه در مورد جرائم زیست محیطی (و منابع ملی) نیازمند وجود کادر و قضات آشنا به منابع طبیعی و قوانین مرتبط با این حوزه است. بنابراین نیاز است قضات در این زمینه آموزش ببینند و یا از تخصص لازم در زمینه منابع طبیعی برخوردار باشند. باید دقت داشت که از لحاظ شکلی، دادرسی جرائم مرتبط با منابع طبیعی بر عهده قوانین کیفری گذاشته شده است. در این خصوص ضرورت اجرای دقیق قوانین مرتبط با منابع طبیعی، آشنایی کامل قضات با مقررات محیط‌زیستی است.

قوانین و مجازات‌های محیط‌زیستی به دلیل اینکه در قوانین مختلف پراکنده شده است چنانچه قضات واقعاً به اهمیت موضوع واقف نباشند این امر باعث تشتت آرا و عدم صدور آرای دقیق خواهد شد. وقتی شعبه ویژه‌ای راه‌اندازی می‌شود، به‌صورت تخصصی موضوعات را بررسی می‌کنند: مسائل و مشکلات را می‌توان به نحو مطلوبی تبیین کرد و برای آن شعبه یقیناً می‌توان آثار مثبتی در آرائی که مقامات قضایی صادر می‌کنند داشته باشیم؛ یعنی علاوه بر اینکه مسائل و مشکلات را می‌بینند اهمیت مسائل زیست محیطی را هم می‌توان برای آنها تبیین کرد. شعب تخصصی درواقع یکی از ساختارهایی است که مقامات قضایی می‌توانند برای افزایش تعامل بیشتر، سرعت رسیدگی به پرونده‌ها داشته باشند. در واقع اگر از زاویه تخصصی به قضیه نگاه کنند امورات دقیق‌تر بررسی می‌شود برخورد قاطعانه‌تر با تخریب‌کنندگان اراضی ملی و زمین‌خواران یکی دیگر از مزایای تأسیس شعبه ویژه رسیدگی به پرونده‌های منابع طبیعی عنوان شده و در این خصوص تصرف غیرقانونی و تخریب اراضی ملی و دولتی همواره یکی از مشکلات کشور به شمار می‌آید و پیشنهاد می‌گردد اجرای احکام کیفری و اجرای احکام مدنی نیز مستقل و در کنار دادگاه‌های اختصاصی قرار بگیرد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ نهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور (۱۳۸۸). *عملکرد سی ساله. تهیه و تدوین: گروه کارشناسان دفتر برنامه ریزی و بودجه، تهران: نشر پونه*.
- سالاری، مصطفی (۱۳۹۱). *تحصیل و تملک توسط دولت*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- شمس، احمد (۱۳۹۴). «نظام حقوقی اراضی ملی شده». تهران: انتشارات نشر دادگستر.
- طهماسبی سروستانی، زین العابدین و همکاران (۱۳۹۲). «آسیب شناسی واگذاری اراضی ملی و دولتی در جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهکار». *پژوهش‌های سلامت اداری*، ۱۷۵-۱۵۷: (۱)۵.
- عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی عمید*. جلد دوم، چاپ نهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نجفی توانا، علی (۱۳۸۶). «تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران». *تحقیقات حقوقی آزاد*، ۱(۱): ۱ - ۲۶.